

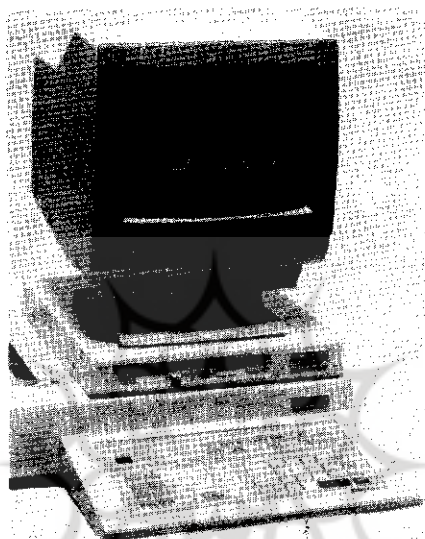
نظام اطلاع رسانی در کنیا

خبرگزاریهای غربی دریافت کرده و طبیعتاً در این خصوص آنچه غریبها مد نظر دارند در اختیار مردم و روشنفکران قرار می‌گیرد. و رسانه‌ها کمتر منابع خبری مستقل و آزاد مطلب نقل می‌کنند. مهمترین روزنامه این بخش کنیانتایمز است.

۲. بخش خصوصی

این بخش فقط کنترل بعضی مطبوعات را در دست دارد. نشریات این بخش به فراخور جهت گیری اقتصادی - سیاسی حامیان و سردبیران عمدتاً (اخبار و حوادثی را منتشر می‌سازند که نشان دهنده ضعف و قصور دولت و حزب حاکم است. این بخش دارای دو روزنامه استاندارد و نیشن و ۵ نشریه هفتگی و ماهانه است که از نظر اقتصادی و سیاسی مورد حمایت شرکتها و قبایل بوده و بعضاً از حمایت کشورهای خارجی نیز برخوردار هستند. به عنوان مثال روزنامه نیشن متعلق به آقاخان است. خیرنگاران و سردبیران این نشریات برای به دست آوردن اخبار مورد علاقه و مؤثر گاهی متحمل مشکلات فراوان از جانب دولت و نیروهای نظامی می‌شوند.

در خصوص رسانه‌ها ذکر این نکته ضروری است که به دلیل فقر گسترده مردم عادی چندان بهره‌ای از آنها نمی‌برند، و تنها رادیو در اختیار آنان است. در این کشور خرید روزنامه و نشریات و داشتن تلویزیون و دیگر امکانات تصویری برای بیش از نیمی از مردم عملاً میسر نیست و از این رو اگر چه بخش دولتی و خصوصی تلاش فراوانی در اطلاع رسانی به



گسترده و نسبتاً منسجم است که شامل روزنامه، هفته‌نامه، رادیو و تلویزیون است. این رسانه‌ها مستقیماً زیر نظر دولت و حزب حاکم کشور "کانو" بوده و رؤسای آنها از طرف حزب مشخص و معرفی می‌گردند. قبلاً تنها یک شبکه تلویزیونی در اختیار دولت بود و طی هفته اول دی ماه رئیس حزب فردی را به ریاست شبکه KIN منسوب کرد و این رسانه نیز عملاً در اختیار حزب قرار گرفت.

به طور کلی تمامی امکانات رسانه‌ای دولتی در اختیار حزب قرار داشته و حزب بدین وسیله اخبار، حوادث و تفسیرهایی را منتشر می‌سازد که به نوعی متضمن منافع دولتمردان و مسئولین حزبی باشد. این رسانه‌ها از آنجا که هدفشان حمایت از مسئولین است، در خصوص وقایع کشور نظرات و تفسیرهای خود را لحاظ نموده و سعی در مخدوش جلوه دادن مخالفین دارند. تقریباً تمام رسانه‌های کنیا اخبار بین‌المللی را از

اگر بتوان اطلاع رسانی را با اندکی مسامحه در برگیرنده این موارد دانست که: چه گروهی برای چه کسانی به چه منظوری و با چه وسایلی ابلاغ پیام می‌کنند آن وقت می‌توان گفت که نظام اطلاع رسانی در کنیا متشکل از چند بخش دولتی، خصوصی، خارجی، و مذهبی است.

نظام اطلاع رسانی در کنیا به مفهوم امروزی آن سابقه چندان طولانی ندارد. در دوران قبل از استقلال، نشریه استاندارد به طور هفتگی توسط عوامل استعمار و برای عده‌ای قلیل منتشر می‌شد و تأثیری بر مردم نداشت. اخبار آن نشریه عمدتاً مطالبی بود که برای افراد خارجی و نیروهای استعمارگر مفید واقع می‌گردید. پس از جنگ جهانی دوم و فترت نیروهای استعماری روشنفکران کنیایی به فکر تهیه نشریه و ابلاغ پیام به مردم عادی افتادند. به همین منظور نشریات متعددی قبل از استقلال پدیدار گردید که برخی به دلیل مخالفت اداره ادبیات شرق آفریقا و برخی دیگر به دلیل مشکلات مالی دوام نیاوردند.

پس از استقلال، نشریه کنیا تایمز به پشتیبانی دولت و مشارکت فکری مبارزان استقلال طلب انتشار یافت و دولت از این طریق به نشر آراء و مطالب خود پرداخت. به تدریج جراید متعددی در کنیا توسط افراد و گروهها انتشار یافتند، که برخی تاکنون ادامه یافته و برخی دیگر به دلایل سیاسی و اقتصادی منتشر نشدند.

۱. بخش دولتی

بخش دولتی دارای نظام اطلاع رسانی



مردم دارند اما فقر مانع دستیابی مردم به آن اطلاعات می‌گردد. و طبعاً تأثیری که مورد نظر ارباب جراید و مسئولین صدا و سیماست عاید نمی‌گردد.

۳. بخش مذهبی

این بخش شامل کلیساها، عبادتگاهها و مساجد است. سازمانهای مسیحی در کنیا بسیار منسجم بوده و فعالیت متمرکزی دارند. این سازمانها هر یک دارای شعباتی در اقصی نقاط کشور است که پیام عالیترین مقام با شورای مذهبی را به اطلاع مردم می‌رسانند. در کنیا کاتولیکها، پروتستانها، کلیساهای استانی، لوترانها، انگلیکنها، از این شمار هستند. هر یک از این مذاهب سازمان خاص و عبادتگاههای ویژه داشته و علاوه بر انجام امور مذهبی در باب مسائل عمومی کشور و اوضاع سیاسی اظهار نظر می‌کنند. آنان حتی به اقتضای موقعیت و امکانات در برخی مشکلات حاد کشور (مانند مسائل آوارگان، نزاعهای بین قبایل، انتخاب نمایندگان، و افراد سیاسی) عملاً دخالت می‌کنند. و به زعم خود در رفع مصائب و مشکلات مردم می‌کوشند.

جلسات عبادتی کلیساها در سالنهای اخیر به نقل از جراید تبدیل به مجامع سیاسی شده و ارباب کلیسا به عوض پرداختن به مسائل مذهبی و ارتقاء روحیه مذهبی مردم، بعضاً مسائل حاد کشور را مطرح کرده و راه‌حلهای پیشنهادی خود را بازگو می‌کنند. این امر موجب انتقاد شدید مسئولین دولتی به ویژه رئیس‌جمهور شده و ایشان بارها به روحانیون کلیسا هشدار داده که از ذکر مسائل سیاسی خودداری کرده به وظیفه اصلی خود یعنی هدایت معنوی مردم بپردازند. سازمانهای مسیحی علاوه بر در اختیار داشتن کلیساها و مؤسسات تربیتی و حرفه‌ای دارای نشریات متعدد بوده که از آن طریق نیز

موضوعات مورد نظر را به مردم ابلاغ می‌کنند. آنها همچنین از رسانه‌های غیر مذهبی نیز برای ابلاغ پیام و افکار خود استفاده کرده و به این وسیله همواره مسائل سیاسی کشور و جهان را از دیدگاه خود برای پیروان تشریح و اذهان مردم را نسبت به مقاصد خود جلب میکنند. به عنوان مثال سازمانهای مسیحی در خصوص محکوم کردن آقای آیدید در سومالی و مسلمانان سودانی از هیچ کوششی فروگذار نکردند. ولی در مورد مردم بوسنی و هرزگوین سکوت اختیار کرده و مطلبی در آن خصوص چه در جراید و چه در مجامع مذهبی اظهار نکردند. آنها همچنین در مورد وقایع سیاسی کشورهای همجوار (از جمله اتفاقی که هفت ماه پیش در تانزانیا اتفاق افتاد و برخی از جوانان مسلمان به مغازه‌های گوشت خوک فروشی حمله کردند) شدیداً حساس بوده و بر علیه مسلمانان موضع‌گیری کرده و گهگاه دست به عمل نیز می‌زنند. بدیهی است تأثیری که مجامع مسیحی در مسائل سیاسی دارند با توجه به اعتقاد مردم به روحانیون کلیسایی بیش از تأثیر رسانه‌هایی دولتی و غیر دولتی است. به همین جهت جلب نظر ارباب کلیسا برای قدرتمندان و کسانی که می‌خواهند در انتخابات شرکت کنند تأثیر مهمی در پیروزی آنان دارد.

سازمانهای مسیحی دارای جراید متنوع برای گروههای سنی مختلف بوده که مرتب منتشر شده و ارتباط پیروان را با مرکزیت حفظ می‌کنند. آنان همچنین با انتشار کتب و جزوات پیام مورد نظر خود را به پیروان ابلاغ کرده و به نحوی که فرد احساس می‌کند دیگر نیازی به مراجعه به منابع دیگر اطلاعاتی ندارد. سازمانها و مجامع اسلامی نیز در گسترش اطلاعات در زمینه داخلی و بین‌المللی نقش مهمی دارند. مسلمانان کنیا برای نماز جمعه اهمیت فراوانی قائلند و حضور در آن را الزامی می‌دانند. در این

زمینه حتی دولت نیز به شهروندان مسلمان اجازه داده که هنگام برگزاری نماز جمعه کار خود را ترک کرده و در نماز شرکت جویند. بعضی روحانیون از این فرصت استفاده کرده و مسائل مهم سیاسی و دولتی را برای مردم بازگو می‌کنند. در مومباسا در چند ماه گذشته مساجد منبع مهم اطلاع‌رسانی و سوق دادن مردم به سوی اتخاذ روشهای عملی جهت طرد مخالفان بوده‌اند. بعضی سازمانهای اسلامی دارای نشریه و جزوات آموزشی و سیاسی نیز می‌باشند. ولی چون زمان انتشار آنها منظم و دقیق نیست و دولت و ارباب کلیسا، غیر مستقیم مشکلات فراوانی برای آنها فراهم می‌کنند از این رو تأثیر آن نشریات محدود است.

به استثنای مسیحیت و اسلام که قصد تبلیغ و تأثیرگذاری بر تمامی اقشار مردم در اقصی نقاط کشور را دارند، سازمانهای مذهبی دیگری نیز در کنیا وجود داشته که علی‌رغم سیاسی و مذهبی بودن و انتقال اطلاعات مذهبی و سیاسی (از دیدگاه خود به پیروان) به دلیل محدودیت گسترده فعالیت و عدم تمایل آنها به جلب پیروان اظهار نظر در خصوص آنها خودداری می‌شود. تنها ذکر این نکته ضروری است که آنها در مواقع حساس از یک گروه خاص سیاسی حمایت کرده طبعاً پیروان نیز همان موضوع را اتخاذ می‌کنند. از این رو جلب نظر آن گروهها نیز برای پیروزی در انتخابات برای افراد که قصد شرکت در انتخابات را دارند بسیار مهم می‌باشد.

۴. رسانه‌های خارجی

ورود هرگونه نشریه، فیلم خارجی و کتاب به کشور کنیا آزاد است. البته طبق قانون مجله یا فیلم و کتابی که در بر دارنده تصاویر بسیار مبتذل باشد ممنوع است. به دلیل اینکه ۱۲/۶ میلیون نفر از جمعیت ۲۵ میلیونی کنیا به نقل از نشریه کنیا تایمز ۷۲/۱۰/۱۰ در فقر مطلق به

سر می برند ، و بقیه مردم نیز در شرایطی نیستند که نشریات و کتب خارجی را که قیمت‌های گزافی دارند ، خریداری نمایند . لذا عملاً نشریات و کتب خارجی توسط توریست‌ها خریداری شده مورد استفاده قرار می‌گیرد . به استثنای آن عده که با توریست‌ها حشر و نشر داشته و بدینوسیله امکان مطالعه آن نشریات را پیدا می‌کنند ، برای دیگران دستیابی به نشریات و کتب خارجی تنها از طریق مراجعه به کتابخانه های خارجی میسر است و برای غالب مردم چنین تسهیلاتی فراهم نیست . از این رو نمی‌توان مجلات خارجی را یک منبع مهم اطلاعاتی به شمار آورد .

اما رادیوهای خارجی در کنیا تأثیر فراوانی در شکل دادن به افکار عمومی دارند ، و مهمترین رسانه های خارجی که مورد استفاده قشر عظیمی از مردم قرار می‌گیرد رادیو بی بی سی است . البته رادیوهای دیگر کشورهای غربی نیز در کنیا قابل استماع است (مانند رادیو آلمان ، رادیو هلند ، رادیو فرانسه و آمریکا ...) ، ولی مردم به رادیو بی بی سی علاقه بیشتری داشته و از برنامه های متنوع و گسترده آن استفاده می‌کنند . این رادیو تقریباً بیست ساعت برای شرق آفریقا برنامه دارد ، که شامل مطالب فرهنگی ، مذهبی ، اقتصادی ، آموزشی ، هنری و بین المللی می‌گردد . بی بی سی اخبار و مسائل کنیا و شرق آفریقا را به نحوی که خود مقتضی می‌داند ، بازگو و تفسیر می‌کند . بی بی سی از آنجا که اخبار قبایل و گروه‌های مختلف را پخش و برنامه های متنوعی در خصوص آنها دارد ، در میان مردم و حتی روشنفکران محبوبیت داشته و اعتبار این رادیو بیش از رادیوی ملی کشور است . پس از رادیو بی بی سی رادیو آلمان ، هلند و فرانسه قرار دارد ، این سه کشور هر کدام برنامه هایی را برای کنیا و شرق آفریقا تهیه و پخش می‌کنند . مدت برنامه های سه رادیوی مذکور کمتر از دو ساعت در شبانه روز است .

مردم پس از رادیو بی بی سی به رادیو آلمان اظهار علاقه می‌کنند . برنامه های این رادیوها نیز شامل اخبار ، مسائل سیاسی ، فرهنگی ، مذهبی ، قبایل مختلف کنیا و ارائه تفسیرهای سیاسی است . بخش موسیقی آفریقای غربی در تمام رادیو ها جزو برنامه های مورد توجه است . سی ان ان تنها شبکه تلویزیونی خارجی است که مردم کنیا به آسانی به آن دسترسی دارند . برای استفاده از دیگر شبکه های تلویزیونی در کنیا نیز نیاز به استفاده از آنتن مخصوص است که عملاً مردم به آن دسترسی ندارند . حتی این شبکه نیز تنها برای درصد نسبتاً کمی از مردم کنیا مورد استفاده است زیرا اکثر مردم فاقد تلویزیون می‌باشند . این شبکه اخبار بین المللی به ویژه آمریکا با شرح و تفضیل فراوان در اختیار علاقه مندان قرار می‌دهد .

اما به دلیل اینکه توجه اندکی به آفریقا به ویژه کنیا دارد ، از این رو مردم از اخبار بین المللی آن چندان استفاده نمی‌برند . تلویزیون KTN که اخبار CNN از آن پخش می‌شود در روز دو ساعت و در شب نیز شش تا هفت ساعت برنامه های سرگرم کننده و اخبار دارد و این قسمت مورد توجه مردم قرار می‌گیرد . البته شبکه CNN برنامه های محدودی در خصوص خانه سازی ، فرهنگ مردم ، چگونگی مراسم مذهبی ، آداب و رسوم مردم آفریقا دارد . ولی این گونه موارد بیشتر برای همان بینندگان غربی مهم است ، و برای مردم آفریقا چندان فایده ای ندارد . لازم به ذکر است که از نظر فرهنگی (به ویژه الفاء افکار تهاجم فرهنگی) این شبکه تأثیر بسزای بر بینندگان دارد .

در کنیا ویدئو نیز یکی از منابع اطلاع رسانی به ویژه در باب فرهنگ به شمار می‌رود . در این کشور با توجه به این که تلویزیون برنامه های چندان جالب و متنوعی نداشته و شروتمندان کشور از ملیتها و فرهنگهای مختلف هستند ، لذا

کار عده ای وارد کردن جدید ترین نوارهای ویدیویی و امانت دادن آنها به علاقه مندان است . فیلم های ویدیویی که در کنیا موجود است عمدتاً از هند ، آمریکا ، اروپا و کشورهای آسیای جنوب شرقی است و به طور کلی می‌توان آنها را فیلمهای مهیج نامید . زیرا در اکثر آنها خشونت ، مسائل جنسی ، و نشان دادن مظاهری از فرهنگ و پیشرفت کشور سازنده تلفیق شده است . ویدئو در این کشور بیش از تلویزیون و حتی سینما در گسترش فرهنگ غرب تأثیر دارد . زیرا در نقاط دور افتاده و حاشیه شهرها که اکثراً مردم فقیر هستند بعضی از کسانی که دارای ویدئو و تلویزیون هستند خانه خود را تبدیل به محل نمایش کرده اند و افراد با پرداخت ورودیه ای ناچیز می‌توانند چند ساعت خود را سرگرم سازند . از این نوع تماشا خانه ها معمولاً کودکان و نوجوانان و زنان که فرصت و امکان رفتن به مرکز شهر و امکان دیدن فیلم سینما را ندارند استفاده می‌کنند . دولت هم هیچگونه نظارتی بر این اماکن اعمال نکرده و با توجه به جذابیت فیلم ها و جهل و ناآگاهی تماشاچیان تأثیر آنها نسبتاً زیاد است .

انتشارات

در کنیا به دلیل بی سوادی و فقر مفرط نیمی از مردم و بی توجهی اکثر مردم به مطالعه به دلیل مشکلات اقتصادی ، کتاب و کتاب خوانی چندان جدی تلقی نشده و وسیله ای برای رفع سرگرمی برای طبقات روشنفکر و نسبتاً مرفه به شمار می‌رود . به همین جهت در کنیا کتابهای علمی و کتابهایی که مبین فرهنگ و مشکلات اجتماعی و ارائه راه حل نابسامانیها باشد به ندرت یافت می‌گردد . عمده کتابهای منتشره در این کشور در خصوص ادبیات (داستان و شعر) به زبان سواحیلی و انگلیسی است که در آنها مؤلفین از تجربه های شخصی خود سخن



می گویند . بدون اینکه مشکلات جامعه را در آن لحاظ نمایند . البته در این خصوص نقش سانسور و کنترل دولتی را نباید نادیده گرفت ، به عنوان مثال یکی از نمایشنامه های پرفسور آنگوجی واتیانگو در نیمه های اول دی ماه سال جاری پس از ۱۶ سال اجازه چاپ و نمایش گرفت . ناگفته نماند که انتشارات نیز شامل تقسیم بندی دولتی ، خصوصی ، مذهبی و بین المللی است ، و هر یک بنا بر امکانات و اهداف خود سعی در جذب اذهان مردم دارند . انتشارات اگر با هدف اصلاح اخلاق و ارتقاء دانش بشری در جامعه کنیا مورد استفاده قرار بگیرد و با توجه به عدم دسترسی اکثر مردم به تلویزیون می توانند به عنوان یک منبع اطلاعاتی پایدار ، گسترده و مؤثر قلمداد گردد .

۵ . کتابخانه ها

نخستین کتابخانه مهم کنیا کتابخانه ملی است که بنا به تصویب مجلس کشور در سال ۱۹۶۵ تأسیس شد ، و وظیفه آن تجهیز ، تشویق تأسیس ، نظارت بر اداره ، توسعه و تعمیر کتابخانه های کنیاست . این مؤسسه همچنین به عنوان یک کتابخانه وظیفه دارد امکانات و تسهیلات لازم را برای خوانندگان فراهم آورد . کتابخانه ملی تحت نظارت بخش فرهنگی وزارت فرهنگ و خدمات اجتماعی اداره می شود .

سازمان و اداره کتابخانه ملی

هیئت امنای کتابخانه های ملی متشکل از هجده نفر است و رئیس این هیئت از سوی وزیر فرهنگ انتخاب و معرفی می شود . دیگر اعضاء از سوی دانشگاه نایروبی (به عنوان رئیس کتابخانه) و نمایندگان وزارتخانه های فرهنگ ، آموزش ، اقتصاد ، ویرنامه ریزی ، استانداری و رئیس انجمن کتابداران انتخاب می شوند . و

مسئولیت نظارت بر تمامی کتابخانه های عمومی کنیا بر عهده آنهاست .

تاریخچه کتابخانه ملی کنیا

هنگامی که سه کشور آفریقایی کنیا ، تانگانیکا و اوگاندا تحت سلطه انگلستان قرار داشتند مؤسسه ای به نام کتابخانه اداره شرق آفریقا وجود داشت که علاقه مندان از کتب آن بهره مند می شدند . پس از کسب استقلال و جدا شدن سه کشور ، هر یک از آنها اقدام به تأسیس یک کتابخانه ملی نمودند . از این رو کتابخانه ملی در کنیا به پس از استقلال باز می گردد . همچنین با توجه به اینکه ابادی استعمار اجازه گسترش فرهنگ و چاپ کتب را به مردم نمی دادند این کتابخانه فاقد گنجینه مهم مربوط به گذشته است . و آنچه در کتابخانه وجود دارد متعلق به دوران پس از استقلال و یا کتابهای تألیف محققان خارجی است .

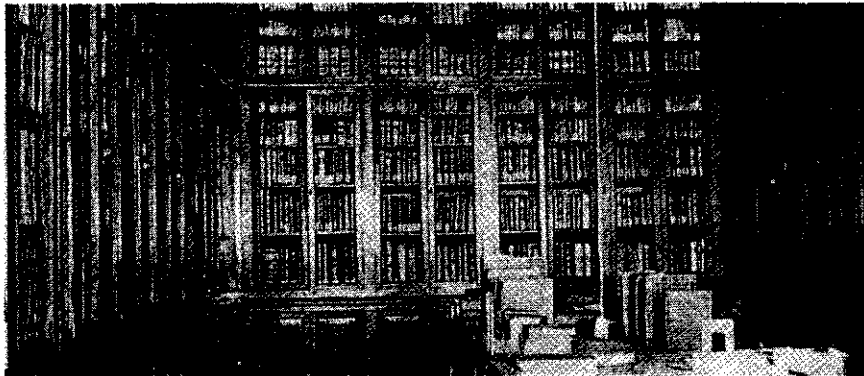
تا زمان وقوع جنگ جهانی دوم هیچ کتابخانه ای در کنیا تأسیس نشده بود . در آن دوران استعمار انگلیس بیشترین توان نظامی و سیاسی تاریخ خود را داشت ، و نسبت به نیازهای مردم مستعمره و از جمله نیاز مطالعه و دانش آموختن مردم هیچ توجهی مبذول نمی داشت . حتی چند کتابخانه کوچکی نیز که به همت اتباع مستعمره تأسیس شده بود . به دلیل تعصبات نژادی به آفریقاییها خدماتی ارائه نمی دادند ، و آنها مخصوص اعضای سفید پوست بوده هزینه اداره آن کتابخانه ها از سوی اعضای سفید پوست و فرماندار انگلیسی تأمین می شد . در آن زمان عده کمی از آفریقاییها سواد داشتند ، ولی برای آنها هیچ گونه امکان مطالعاتی وجود نداشت .

پس از جنگ جهانی دوم که برخی آفریقاییان در آن شرکت کرده و به نفع انگلستان با آلمانها جنگیدند ، تغییراتی در سیستم اداره

مستعمرات به وجود آمد . علت آن را بعضی آشنا شدن آفریقاییهایی که به کشورهای اروپایی رفته و با صنعت و تمدن آنها آشنا شده بودند ذکر کردند . اینان پس از مشاهده ترقی و پیشرفت کشورهای غربی به اهمیت مطالعه و آموزش آحاد ملت پس از بازگشت به وطن خواستار امکانات بیشتری از جمله تأسیس کتابخانه شدند ، و از این امر تا حدودی از سوی فرماندار استعماری مورد پذیرش واقع شد . در این مرحله فرماندار سه کشور تصمیم گرفتند کتابخانه هایی برای آفریقاییان تأسیس کنند که هزینه بسیار کمی در بر داشته باشد . بدین منظور خانم الیس پیت هاکت لی مأمور بررسی ضرورت تشکیل کتابخانه و چگونگی مواد مطالعاتی شده و نظرات خود را به شرح ذیل ابراز داشت :

۱. ضرورت فراهم آوردن کتابخانه عمومی و آموزشی برای باسوادان ،
۲. نیاز به انتشار نشریه ای عمومی برای هر یک از سه کشور ،
۳. تشویق آفریقاییان به نوشتن کتاب ، مقاله ، و تألیف در موضوعات مختلف ،
۴. در اختیار گذاردن کتابهای کتابخانه جهت علاقه مندان .

خانم هاگسلی سپس توصیه کرد در هر سه کشور یک کتابخانه مرکزی تأسیس شده و سپس آن کتابخانه نظارت بر تأسیس دیگر مراکز کوچکتر و منطقه ای را به عهده بگیرد . پیشنهادات خانم هاگسلی اگر چه مفید و مناسب بود ولی فرمانداران اجرایی آنها را به دلیل در بر داشتن هزینه و ترس از آگاهی مردم صحیح ندانسته و تنها به تأسیس سه کتابخانه متوسط تحت نظارت اداره ادبیات شرق آفریقا اقدام کردند . اداره مذکور وظیفه نظارت بر انتشار کلیه کتاب و مواد چاپی را در شرق آفریقا به عهده داشته و اجازه نمی داد هیچ گونه اثری که حاوی مطالب مخالف با سلطه انگلستان است چاپ و



منتشر گردد سه کتابخانه در کامپالا، دارالسلام، و نایروبی تأسیس شد و کتابهایی نیز فراهم آوردند. معهذا، به دلیل کوچکی کتابخانه و عدم دسترسی سریع علاقه مندان آن کتابخانه ها تأثیر چندانی بر مردم نداشتند.

در سال ۱۹۶۰ بر اثر رشد آگاهی مردم و شدت گرفتن مبارزات ضد استعماری کنسول انگلیس فردی را به نام هاکی مأمور کرد تا در خصوص توسعه کتابخانه های عمومی در سه کشور مطالعه و بررسی نماید. وی در گزارش خود توصیه کرد که شورای کتابخانه ای مستقل در هر سه کشور تأسیس و به ایجاد، تقویت، اداره و توسعه و حفاظت از مؤسسات مطالعاتی بپردازد. پیشنهاد وی پذیرفته شد و در سال ۱۹۶۳ در تانگانیکا و در ۱۹۶۴ در اوگاندا و در ۱۹۶۵ گروه کتابخانه ای در نایروبی تأسیس شد. از این رو می توان گفت که کتابخانه های ملی سه کشور بر اثر توصیه ها کس لی به وجود آمده است.

کار کتابخانه ملی کنیا در ۱۹۶۹ شروع شد. در آن سال تعداد کتاب چهار هزار و کارمندان آن متشکل از یک رئیس کتابخانه، یک کتابدار، سه کمک کتابدار، یک حسابدار، چند منشی و خدمتگذار بود.

وضعیت کنونی کتابخانه های کنیا

در حال حاضر کتابخانه چهار هزار جلدی سال ۱۹۶۹ گسترش فراوان یافته و دارای شعبات متعدد در سراسر کشور از جمله مومباسا، ناکرو، نیری، کیوسومو، امبو، کاکامگا، گاریسا و می رواست. حتی در اماکنی که امکان تأسیس کتابخانه وجود نداشته امکانات کتابخانه به شکلی دایر شده است که این امر شامل مناطق کم جمعیت شهری می گردد. اکنون کارمندان کتابخانه ها چهارصد نفر و شمار کتب تا سال ۱۹۹۲ به یک میلیون افزایش یافته و حدود صد و پنجاه هزار نفر عضو کتابخانه ها هستند. در هر

سال تقریباً دو میلیون کتاب به اعضاء امانت داده شده و هزینه سالانه کتابخانه بیش از صد میلیون شیلینگ است.

کتابخانه ملی و دیگر کتابخانه ها بخشهایی برای کودکان، نوجوانان، و بزرگسالان داشته، و علاوه بر کتب دارای نشریات متعددی نیز هستند. این کتابخانه همچنین کتابشناسی ملی کنیا را منتشر می کند، و با همکاری کتابخانه دانشگاه نایروبی و آرشیو ملی کنیا تمامی متون مربوط به کنیا را گردآوری کرده و در اختیار علاقه مندان می گذارد. بین کتابخانه های کنیا همکاری و ارتباط وجود دارد، هرگاه خواننده ای نیاز به کتابی داشته باشد که در کتابخانه محل عضو موجود نیست، مسئولین کتابخانه می توانند آن را از کتابخانه های دیگر امانت گرفته در اختیار فرد قرار دهند. البته این کار به دلیل سرعت نداشتن امور در کنیا و کند بودن فعالیت پست به ندرت اتفاق می افتد و مردم ترجیح می دهند که خود مستقیماً به محل کتابخانه دیگر رفته و از کتاب مورد نظر بهره برداری کنند.

بر اساس آمار سال ۱۹۸۶ در کنیا ۲۴۷ کتابخانه وجود دارد. این تعداد شامل کتابخانه های مدارس، وزارتخانه ها، سازمانهای دولتی و خصوصی، سازمانهای بین المللی، مؤسسات مذهبی، دانشگاهها و کتابخانه های عمومی است. اکثر این کتابخانه ها کمتر از هزار جلد کتاب داشته و دایره فعالیتهاشان محدود

است. آمار کتابخانه های کنیا به شرح ذیل است:

۱. کتابخانه های دولتی . ۱۵۰ باب
۲. کتابخانه های شرکتهای نیمه دولتی ۶۲ باب
۳. کتابخانه های خصوصی ۵۳ باب
۴. کتابخانه های بین المللی ۴۶ باب
۵. کتابخانه های خصوصی ۲۸ باب
۶. کتابخانه های محلی ۸ باب

الف . کتابخانه های دولتی معمولاً در وزارتخانه ها، سازمانها و مؤسسات آموزشی وجود دارد. استفاده از این کتابخانه ها برای عموم آزاد نیست، و فقط اعضا حق استفاده از آن را دارند. گرچه در بعضی موارد می توان با ارائه اجازه نامه از وزارت خانه از تسهیلات این نوع کتابخانه ها بهره مند گردید.

ب . کتابخانه های شرکتهای نیمه دولتی، توسط این شرکتها و برای مقاصد خاص شرکت تأسیس شده و دیگران به ندرت از امکانات آن بهره مند می شوند. این کتابخانه ها تحت نظارت شرکت یا مؤسسه مذکور اداره شده و دولت کنترل چندانی بر آنها ندارد. کتابخانه های دانشگاهها و مؤسسات آکادمیک از این جمله اند.

ج . کتابخانه های مؤسسات خصوصی غیر انتفاعی، این کتابخانه ها عمدتاً توسط سازمانهای مذهبی و دانشکده های خصوصی



تأسیس شده و هدف آنها ارتقاء آگاهی اعضا است.

۵- کتابخانه های بین المللی که توسط سازمانهای بین المللی فعال در کنیا تأسیس شده و هدف آنها فراهم آوردن امکانات تحقیق و پژوهش برای اعضا و علاقه مندان است. استفاده از این کتابخانه ها برای مردم عادی چندان دشوار نیست ولی به دلیل تخصصی بودن کتابخانه ها مردم کمتر از امکانات این گونه کتابخانه ها استفاده می کنند.

۶- کتابخانه های خصوصی توسط کشورها و شرکتها برای پیشبرد اهداف خاصی تأسیس می گردد. کتابخانه های کشورهای دیگر در کنیا از این شمار هستند.

۷- شورای شهر نایروبی و دیگر مناطق نیز کتابخانه هایی را تأسیس کرده و هزینه آنها را می پردازند. از این گونه کتابخانه ها تمامی مردم به شرط عضو بودن می توانند استفاده کنند. کتابخانه مک میلان در نایروبی با ۸۵۰۰ جلد کتاب از این شمار است.

در کنیا همچنین چهار کتابخانه بزرگ دانشگاهی وجود دارد که مهمترین و قدیمی ترین آنها کتابخانه جومو کنیانا در دانشگاه نایروبی است. این کتابخانه همچنین تمام کتب منتشره در کنیا را جمع آوری کرده و یک بخش ویژه کتب آفریقایی دارد که در این قاره چاپ می شود. کتابخانه جومو کنیانا با کتابخانه های دانشگاه ماکروره، دارالسلام، لوزاگا، موافقتنامه اسانت مواد مکتوب را دارد. این کتابخانه ۵۰۰۰۰۰ جلد کتاب و ۳۹۰۰ نشریه را نگهداری می کند.

کتابخانه دانشگاه نایروبی مهمترین کتابخانه کشور است و نقشی را که کتابخانه های ملی در کشورهای دیگر دارند در کنیا این کتابخانه عهده دار است. حتی تعداد کتب کتابخانه نایروبی از کتابخانه ملی (۱۲۰۰۰۰ جلد و ۷۱

نشریه) بسیار بیشتر است، و مؤسسات انتشاراتی موظفند یک جلد از کتابهای خود را به کتابخانه دانشگاه نایروبی ارسال کنند. در مواقع بروز مشکلات مخصوص به ناشر و مؤلف مخزن کتب آن کتابخانه از نظر قانون معتبر است. مهمترین کتابخانه های کشور کنیا عبارتند از

کتابخانه های مؤسسات آموزشی

۱. کتابخانه دانشگاه نایروبی (جومو کنیانا)
۲. کتابخانه دانشگاه کنیانا (کتابخانه مونی)
۳. کتابخانه دانشگاه بین المللی آمریکایی
۴. کتابخانه پلی تکنیک کنیا

کتابخانه های عمومی

۱. کتابخانه ملی کنیا
۲. کتابخانه مک میلان
۳. کتابخانه مرکز فرهنگی انگلستان
۴. کتابخانه جمهوری اسلامی ایران
۵. کتابخانه مرکز فرهنگی فرانسه
۶. کتابخانه مرکز فرهنگی آمریکا
۷. کتابخانه مرکز فرهنگی آلمان
۸. کتابخانه مرکز فرهنگی هند

کتابخانه های کنیا از جمله کتابخانه های دانشگاهی به دلیل مشکلات مالی بسیار فقیر بوده و کتابهای آنها اکثراً مربوط به دهه گذشته است. مسئولین دانشگاهی و شورای کتابخانه ها همواره تلاش می کنند. که با جلب نظر مسئولین سازمان ملل، یونسکو و دیپلماتهای عالیرتبه بخشی از کمبود کتابخانه ها را جبران کنند. در این زمینه نیز گهگاه کمکهایی به کتابخانه صورت می گیرد. ولی با توجه به فساد گسترده ای که بر کشور حاکم است معمولاً کمکها کاملاً مورد استفاده قرار نگرفته و بخشی از آنها به مصارف شخصی می رسد. کتابخانه های کشورهای غربی گاهی برخی از کتب از رده خارج شده خود را در اختیار کتابخانه های کنیا قرار می دهند

که بیشتر شامل داستانها و کتابهای عملی می گردد.

کتابخانه های کنیا فاقد هرگونه معماری قابل توجه و هنری است، و به طور کلی ساختمان سازی در کنیا توسط خارجیان و طی یکصد سال گذشته آغاز شده است. به همین دلیل کتابخانه ها در ساختمانهای معمولی بنا شده و هیچ گونه هنر و معماری خاصی در آنها به کار نرفته است.

در خصوص ارتباط بین کتابخانه های کنیا و جمهوری اسلامی ایران گفتنی است که کتابخانه های این کشور به دلیل مشکلات اقتصادی و بی توجهی مسئولین امر دارای امکانات بسیار محدود بوده و نمی تواند هیچ گونه کمکی به کتابخانه های ایران بکند. بودجه ای که هر سال برای کتابخانه ها تصویب می شود تنها تکافوی پرداخت حقوق کارمندان و هزینه های جاری را داده و امکان خرید کتاب به سختی میسر می شود. حتی دانشگاههای کشور نیز فاقد کتب علمی روز بوده و نشریات خارجی که حتی تا یک دهه گذشته به وفور دریافت می شد. دیگر به دلیل عدم پرداخت آبونمان به کتابخانه ها ارسال نمی گردد، و جای آنها در قفسه نشریات خالی است. دانشجویان و اساتید برای مطالعه کتب جدید عمدتاً به کتابخانه های کشورهای انگلیس، آمریکا، فرانسه، آلمان مراجعه می کنند. تنها موردی که می توان از کتابخانه نایروبی کمک گرفت در خصوص مطالعات آفریقایی است که در کتابخانه های این کشور کتب فراوانی وجود دارد. ولی متأسفانه کتب مربوط به آفریقا به عنوان کتب مرجع طبقه بندی شده و تنها امکان تصویر برداری از آنها میسر است.

رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در نایروبی